

دکتر نصراله قهرمانی
وکیل پایه یک دادگستری

نقد دادنامه شماره ۲۶ مورخ ۸۷/۲/۱۵ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضاات

شعبه اول دادگاه انتظامی قضاات در این رأی معنای عبارت «اظهار عقیده کتبی» را در بند ۷ ماده ۸۰ آیین نامه تخلفات انتظامی وکلا به رأی، به معنای خاص آن یعنی «قرار» یا «حکم» تعبیر کرده است، در حالی که عبارت «اظهار نظر کتبی» علاوه بر قرارهای نهایی و حکم، شامل قرارهای اعدادی هم مانند قرار کارشناسی، معاینه محل، اتیان سوگند و غیره نیز می شود.

در واقع منظور قانونگذار از بند ۷ ماده ۸۰ آیین نامه تخلفات انتظامی این بوده است که وکیلی را که به نحوی از انحا، سابقه اظهار نظر کتبی در یک پرونده قضایی، به عنوان قاضی داشته است، از قبول وکالت هر یک از اصحاب دعوی آن پرونده مطلقاً منع کند و این ممنوعیت قابل توجیه است زیرا؛

۱- چنین وکیلی با سابقه اظهار نظر قضایی نسبت به پرونده از این جهت مورد مراجعه هر یک از اصحاب دعوی قرار می گیرد که وی تصور می کند وکیل مزبور به نقاط ضعف و قوت دعوی، اشراف کامل دارد و در سمت وکالت می تواند از این آگاهی خود به نفع موکل استفاده کند. به عبارت دیگر انگیزه مراجعه موکل به چنین وکیلی، صرفاً اطلاعات حقوقی کارشناسانه وی نیست، بلکه اطلاعاتی است که به اقتضای شغلی در دورانی که مسئولیت رسیدگی به دعوی را داشته، به آنها دست یافته بوده است. به طوری که می توان گفت قصد موکل در واقع سوءاستفاده از وکیل بوده است نه حسن استفاده و چون چنین وکیلی از این قصد موکل خود بخوبی آگاه است، قبول وکالت این دعوی خیانت به طرف

دیگر دعوی است که قاضی بی طرف دیروز پرونده را امروز مدافع طرف مقابل در دعوی در مقابل خود می‌بیند.

۲- با توضیحاتی که در بند یک داده شد، معلوم می‌گردد که رأی دادگاه خصوصیتی ندارد تا ممنوعیت موضوع بند ۷ ماده ۸۰ آنگونه که شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات در نقض رأی شعبه ۵ دادگاه انتظامی کانون وکلا استدلال کرده است منحصر بدان شود. وانگی این توهم که در مسایل جزایی باید در تفسیر کلمات و عبارات، به قدر متیقن اکتفا کرد، بی‌وجه است زیرا تخلفات انتظامی بیش از آنچه جنبه جزایی داشته باشد، صبغه اخلاقی دارد و در سیستم‌های حقوقی جدید، اصول حاکم به مقررات جزایی را قابل تسری به حوزه انتظامی نمی‌دانند چه هدف از مقررات انتظامی، اعتلای سطح اخلاقیات حرفه‌ای است و در این حوزه هر عملی که شائبه غیر اخلاقی بودن داشته باشد به عنوان رفتار خلاف اخلاق حرفه‌ای قابل تعقیب است. لذا این اصل که در مسایل جزایی باید در تفسیر کلمات و عبارات به قدر متیقن اکتفا کرد در خصوص اخلاق حرفه‌ای با دیده تساهل باید دید.

کلیت این قاعده از قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ به خوبی قابل استنباط است، لیکن قبح عمل و کیلی که با سابقه اظهار نظر در دعوایی، وکالت یکی از طرفین را پذیرفته است از نظر قانونگذار بقدری زیاد بوده است که آن را در بند ۷ ماده ۸۰ جداگانه مورد تصریح قرار داده است. بدیهی است حتی اگر استدلال شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات در تفسیر «اظهار عقیده کتبی» به رأی به معنای «حکم» یا «قرار» هم صحیح بوده باشد، عمل ارتكابی چنین و کیلی بدون تردید به عنوان یک رفتار خلاف شأن وکالت، قابل انطباق با قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه بوده است. بنابر این دادنامه دادگاه عالی انتظامی قضات خالی از ایراد نیست.

کلاس پرونده: ۱۰۵۴/۲۲

تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۷/۲/۱۵

شماره دادنامه: ۲۶

موضوع پرونده: اعتراض آقای..... به دادنامه شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای

دادگستری مرکز

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان نورالدین صادقی و اسد داروچی و اسمعیل پوریوسفی،

مستشاران

گزارش: حسب محتویات پرونده ستاد اجرایی فرمان حضرت امام رحمت اله در مقام شکایت علیه آقای..... وکیل دادگستری برآمده و بشرح شکواییه شماره ۷۰/۵۸۳/س/م مورخه ۱۳۸۴/۶/۷ به عنوان دادرسرای انتظامی کانون وکلا بطور اختصار چنین اظهار گردیده که علیرغم اینکه مجوز وکالت نامبرده مربوط به حوزه قضایی تهران نمی باشد عمده فعالیت وکالتی خود را در حوزه قضایی تهران متمرکز نموده و دفتر وکالت در خیابان میرداماد تأسیس نموده مشارالیه علیرغم ممنوعیت قانونی مندرج در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری به مدت سه سال در آخرین محل خدمت خود حق وکالت نداشته آقای..... که قبلاً ریاست شعبه..... دادگاه انقلاب اسلامی را بعهدہ داشته در خصوص اموال خانواده محکوم علیه دائر بر ممنوعیت اصل ۴۹ حکم مقتضی صادر نموده است که ایشان وکالت را در پرونده قبول کرده به موجب حکم شماره ۴۱۳۸۷ مورخ ۷۸/۶/۲۱ صادره از سوی شعبه هشتم دادگاه انقلاب اموال آقایان..... و..... به نفع ستاد تملک گردد که آقای..... با وکالت از موکلین نسبت به حکم صادره تجدیدنظر خواهی نموده و موجب نقض دادنامه گردیده به موجب دادنامه صادره مورخ ۷۶/۱۲/۱۸ شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی همدان اموال محکوم علیه به نفع ستاد صادر گردیده که در سال ۷۷ آقای.... با سمت رئیس شعبه..... دادگاه انقلاب درخصوص یکی از املاک محکوم علیهم وارد رسیدگی شده لیکن این بار در سمت وکیل وارد پرونده شده است. دادرسرای کانون وکلا پس از رسیدگی و اقدامات معمول و اخذ دفاعیات وکیل مشتکی عنه و ارایه لوایح از ناحیه وکیل نهایتاً در تاریخ ۸۵/۴/۲۸ مبادرت به صدور نظریه اختصاراً بدین شرح مینماید:

الف) به حکایت تصویر بازخرید صادره از قوه قضاییه آقای..... در تاریخ ۷۹/۹/۹ از خدمت قضایی بازخرید شده است بنابراین تا تاریخ ۸۲/۹/۹ ممنوعیت مقرر در تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه ادامه داشته. نظر به اینکه به دلالت دادنامه شماره ۲۰۶۲

مورخ ۸۲/۷/۲۴ صادره از شعبه..... دادگاه تجدیدنظر تهران از دادنامه بدوی شماره ۲/ش/۸۲/۲۳۰ مورخ ۸۲/۵/۱۸ شعبه..... دادگاه انقلاب تهران از جانب آقای..... به وکالت از آقای..... صورت گرفته اقدامات وکالتی وی منطبق بر زمان ممنوعیت مقرر در تبصره ۴ بوده علاوه بر آن لایحه تجدیدنظر خواهی که در تاریخ ۸۰/۶/۱۵ به امضای آقای..... در اعتراض به رأی شماره ۲۱/۷۹/۲۴۱۱ مورخه ۷۹/۱۲/۱۳ شعبه ۲۱ دادگاه انقلاب تقدیم شده مبین اقدامات وکالتی در مدت ممنوعیت مقرر می‌باشد لذا در این مورد با احراز تخلف از مفاد تبصره ۴ عقیده به تعقیب دارد.

ب) آقای..... در هنگامی که ریاست شعبه..... دادگاه انقلاب تهران را برعهده داشته در پرونده کلاسه ۷۱/تا/۴۴۵۴۰ که مربوط به خانواده آقای..... بوده نسبت به اتهام آقایان..... و..... و غیره به اتهام جعل و کلاهبرداری رسیدگی و مبادرت به صدور حکم بر محکومیت نموده است و در سال ۸۴ وکالت همین دو نفر را راجع به همین موضوع در شعبه تشخیص به عهده گرفته است که با توجه به اینکه آقای..... در پرونده شعبه..... تشخیص نسبت به اتهام افرادی که نسبت به آنان حکم قضایی صادر کرده قبول وکالت نسبت به همان موضوع و از طرف همان اشخاص نموده لذا مستنداً به بند ۷ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون عقیده به تعقیب وی دارد.

ج) نظر به اینکه پروانه وکالت مشارالیه به شماره ۸۴۱۵ برای شهرستان دماوند صادر شده است و در تاریخ ۸۵/۵/۲ با انتقال به تهران موافقت شده نامبرده از تاریخ ۸۲/۱۰/۳۰ لغایت ۸۵/۳/۳ (اولین روز انتقال به تهران) تعداد ۵۸ فقره پرونده در تهران ابطال تمبر وکالت کرده‌اند و لذا تمرکز فعالیت وکالتی وی در محل دیگری از محل تعیین شده در پروانه اشتغال محرز بوده و مستنداً به ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶ عقیده به تعقیب دارد.

پس از موافقت دادستان انتظامی کانون کیفرخواست صادر و بلحاظ ارتکاب تخلف ۱- اشتغال در مدت ممنوعیت سه ساله، ۲- تمرکز امور وکالتی در غیرمحل پروانه، ۳- وکالت در موضوعی که قبلاً نسبت به آن حکم قضایی داده مستنداً به ماده ۶ و تبصره آن از قانون کیفیت اخذ پروانه و بند ۷ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال و ماده ۵۱ قانون

وکالت تقاضای رسیدگی گردیده که پرونده در شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون مطرح رسیدگی قرار گرفته و پس از اخذ لایحه وکیل مشتکی عنه به موجب دادنامه شماره ۲۰۷ - ۸۵/۸/۸ آقای..... را بلحاظ تخلف اولاً بمدت سه سال حق وکالت در تهران نداشته ولی به وکالت در تهران اشتغال داشته و پروانه وکالت برای دماوند صادر ولی در تهران فعالیت وکالتی متمرکز نموده ثانیاً در پرونده‌ایکه قبلاً قاضی بوده و اظهارنظر کرده وکالت پذیرفته و در پرونده..... شعبه..... تجدیدنظر تهران که منتهی به دادنامه..... مورخ..... قبل از انقضای دوران ممنوعیت وکالت پرونده را بعهدہ داشته و اظهارنظر کرده سپس وکالت متهمین همین پرونده را برعهده گرفته است تخلفات انتسابی به وکیل نامبرده را محرز دانسته و آقای..... را از باب تخلف ممنوعیت سه سال اشتغال در آخرین محل خدمت مستنداً به تبصره ۴ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه ناظر به بند ۳ ماده ۷۶ آیین‌نامه استقلال کانون وکلا به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون، از جهت تمرکز امور وکالتی در غیر محل پروانه وکالت مستنداً به ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه ناظر به بند ۳ ماده ۷۶ همان آیین‌نامه به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون از بابت تخلف قبول وکالت در پرونده‌ایکه قبلاً در سمت قضایی اظهارنظر کرده مستنداً به بند ۷ ماده ۸۰ آیین‌نامه استقلال ناظر به بند ۴ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۵۱ به یک سال ممنوعیت موقت از وکالت محکوم می‌نماید. رأی صادره در تاریخ ۸۵/۹/۲۲ به آقای..... ابلاغ گردیده و نامبرده به موجب لایحه‌ای که به شماره..... مورخ..... ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات ثبت گردیده است در مقام اعتراض نسبت به دادنامه صادره برآمده که اختصاراً دفاعیات وی در اعتراض فرد چنین است پرونده کلاسه..... شعبه..... دادگاه انقلاب اسلامی تهران در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۲ منتهی به صدور دادنامه و مختومه اعلام شده است و قاضی دیگری ذیل رأی صادره را امضا نموده است بنام آقای.....

ب) به موجب ابلاغ..... مورخ ۷۵/۶/۲۶ به سمت رییس شعبه..... دادگاه انقلاب تهران منصوب شده ام یعنی ۴ روز پس از آنکه رأی نهایی پرونده فوق در شعبه هشتم دادگاه انقلاب صادر گردیده.

ج) اینجانب در پرونده کلاسه..... مطروحه در شعبه..... هیچگونه اظهارنظری ننموده‌ام هیچ دستور کتبی در پرونده موجود نیست حق این بود دادگاه انتظامی پرونده را مطالبه و

ملاحظه می‌فرمودند تا ثابت شود اسمی از اینجانب در پرونده امر وجود نداشته. در حالی که بالاترین مجازات مقرر در ماده ۸۰ محکومیت به مجازات انتظامی درجه ۴ می‌باشد و مجازات انتظامی درجه ۴ تنزل درجه می‌باشد دادگاه برخلاف قانون اینجانب را به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم نموده است که مخالف قانون می‌باشد.

به موجب رأی شماره..... مورخ ۸۳/۳/۲۷ هیأت عمومی دیوات عدالت اداری مجازات‌های بند ۵ و ۶ ماده ۷۶ باطل شده است. بند ۴ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ که به آن استناد شده است قبلاً با توجه به آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری منسوخ شده است. در نهایت تقاضای نقض دادنامه و برائت خود را نموده است.

کانون وکلا در پاسخ به اعتراض آقای..... طی لایحه شماره..... مورخ ۸۵/۱۱/۲۳ به پیوست مدارک تقدیمی اعلام داشته دادنامه معترض عنه بر موازین قانونی اصدار یافته است و تأیید آن را خواستار و نیز اعلام گردیده ایراد تجدیدنظرخواه با توجه به ابلاغیه سمت قضایی نامبرده در شعبه..... دادگاه انقلاب اسلامی و در تاریخ ۸۵/۶/۲۶ به امضای ریاست محترم قوه قضاییه و دادنامه..... در پرونده کلاسه..... همان شعبه که در تاریخ ۸۵/۶/۳۱ صادر شده است رأی شعبه..... بر موازین قانونی صادر گردیده است. سپس کانون وکلا به موجب نامه شماره..... مورخ ۸۶/۲/۲۲ اعلام داشته ابلاغ سمت قضایی مشککی عنه در شعبه..... دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۷۵/۶/۲۶ بوده است که به امضای ریاست محترم وقت قوه قضاییه رسیده است که به این ترتیب نامه ارسالی اعلام می‌گردد.

هیأت شعبه بتاريخ فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و انجام مشاوره بشرح آتی اتخاذ تصمیم می‌نماید.

رأی دادگاه

مجموع اوراق پرونده گویای منقصت آن قسمت از دادنامه معترض عنه که بر محکومیت معترض دائر بر یک سسال ممنوعیت موقت از وکالت صادر گردیده بنا به جهات زیر می‌باشد:

اولاً: دادنامه مورخ ۷۵/۶/۲۲ موضوع پرونده کلاسه..... شعبه..... دادگاه انقلاب اسلامی تهران مستند به رأی معترض عنه صادره از شعبه..... دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز ممضی به امضای معترض نمی‌باشد.

ثانیاً: تاریخ صدور دادنامه مستند بتاریخ ۷۵/۶/۲۲ بوده در حالی که انتصاب معترض به عنوان رییس شعبه..... دادگاه انقلاب اسلامی تهران به موجب ابلاغ..... تاریخ ۷۵/۶/۲۶ بوده که مآلاً معترض قبل از این تاریخ ریاست بر شعبه..... را نداشته بنا به مراتب با قبول معترض در آن قسمت از دادنامه..... مورخ ۸۵/۸/۸ شعبه..... دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز که بر محکومیت آقای..... بر ممنوعیت موقت بمدت یکسال از وکالت می‌باشد فاقد وجاهت قانونی بوده و لذا حکم به نقض آن و برائت معترض مذکور در این قسمت از دادنامه معترض عنه صادر و اعلام می‌گردد.



شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی